



مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۸ - تابستان ۱۴۰۵

آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع
همایون مافی، محسن رئیسی، احمدرضا امیری لاریجانی
امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اکوساید در چهارچوب تغییرات اقلیمی
سبحان طیبی، ماجده معقولی
تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی
سمیه رحمانیان، پوریا ابراهیم زاده
منع سوءاستفاده از اضطرار در نظام حقوقی ایران
زینب قادری، عبدالمجید یوسفی، ستار فخرایی
مطالعه تطبیقی شرط انفساخ در حقوق ایران و نهاد انحلال قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
حکیمه محمودسلطانی، مهدی شیخ محمودی
ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه
صابر سیاری زهان
چالش‌های اسناد الکترونیکی در حقوق ایران
محمدرضا عبدی، ساسان وزین پور
نقش دوگانه هوش مصنوعی در مقابله با اطلاعات نادرست و جعل عمیق: چالش‌ها و راهکارها
عاطفه لرججوری، سیداحمد پیروندیزی
ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی
سیدعلیرضا حسینی، محمدرضا رستمی، طاهره جعفری
بررسی فقهی و حقوقی جایگاه و نقش وصیت اشخاص بلاوارث در تعیین تکلیف دارایی بعد از فوت
سیده نازنین موسوی
مبانی، شرایط و آثار قراردادهای تأمین کیفری متهم در نظام کیفری ایران
کامران رحیمی سکه روانی
بررسی فقهی بطلان معاملات در قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
مهدی رجائیان، جعفر قجه بیگلر
بره دیدگی اطفال و نوجوانان در فضای سایبری و متاورس: مروری بر شناخت علل تا راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن
جواد چراغی
تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی
اسماعیل چوگانی
کارکرد سیاست جنایی دادستانی در پیشگیری و تعقیب جرائم ناقض حقوق عامه
وحید کیومرثی
مطالعه تطبیقی قاعده استقلال شرط دآوری در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان و قانون نمونه آنسیترال؛ نظریه‌ها و رویه‌ها
سعید جوهر
وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رجبعلی طهرانی، فاطمه اله وردی، امیررضا نقروی
تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر
حمیدرضا قناعتیان
نقش صلح آمیز انرژی هسته‌ای در حقوق ایران و نظام بین‌الملل با رویکرد جدید
مجاهد امیری، فاطمه اصغرزاده شیرازی
تأثیر فناوری‌های نوین، هوشمندسازی و تحول دیجیتال در اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
نگار فولادی، وجیهه محسنی
تحلیل جرم شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان
احمد پدیدار، محمد کمالی
قرارداد هوشمند در نظام حقوقی ایران
مهدی صالحی زاده
چالش‌های حقوقی دولت الکترونیک و مسئولیت مدنی دولت
سعید سردشتی بیرجندی
اصل بی طرفی تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی کیفری ایران
محمدحسن ملک محمدی
تحلیل کیفی مبانی و قلمرو مسئولیت کیفری در ارتکاب جرائم ناشی از سندرم پای بی قرار: تعامل اختلال عصبی-حرکتی با
ارکان تقصیر و قابلیت انتساب
زهره عنالوی اصفهانی
نسبت قاعده و استثناء در حقوق مدنی ایران: با تأکید بر اصل لزوم قراردادهای و موارد خروج از آن
امیررضا علی تبار
نهادسازی اساسی: ثبت‌نام در ارتش و حبس دسته‌جمعی در ایالات متحده آمریکا
برایان سایکز، امی کیتی بابلی، یاسر شاکری



Analysis of the Supporting Roles of the Convention on the International Sale of Goods in Facilitating and Protecting International Trade

تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی

Esmail Chogani

Master of Science in Private Law, Islamic Azad University, Marvdasht Branch, Marvdasht, Iran

اسماعیل چوگانی

کارشناس ارشد حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، مرودشت، ایران

esmaeilchogani@gmail.com

Abstract

In the contemporary world, international trade, as one of the fundamental pillars of the global economy, plays an important role in economic development, job creation and technology transfer. However, this field faces numerous legal challenges that increase the risk of commercial activities and reduce the trust of the parties. The Convention on the International Sale of Goods, covering more than ninety-five countries, is one of the most successful international legal instruments and plays an effective role in facilitating global trade and protecting traders. The Convention works by protecting the independence and sovereignty of traders, identifying and establishing customary business practices, harmonizing and unifying laws, reducing conflicts of laws, and providing uniform rules of interpretation for resolving disputes. The findings show that the Convention on the International Sale of Goods has not only managed the legal challenges of traders, but also strengthened trust and made global trade more sustainable and inclusive by reducing risks and costs.

Keywords: International Trade, Convention on the International Sale of Goods, Sovereignty of Will, Commercial Practice, Unification of Laws.

چکیده

در دنیای معاصر، تجارت بین‌الملل به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین اقتصاد جهانی، نقش مهمی در توسعه اقتصادی، ایجاد اشتغال و انتقال فناوری ایفاء می‌کند. با این حال، این عرصه با چالش‌های حقوقی متعددی مواجه است که ریسک فعالیت‌های تجاری را افزایش داده و اعتماد طرفین را کاهش می‌دهد. کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، با پوشش بیش از نودوپنج کشور، یکی از موفق‌ترین اسناد حقوقی بین‌المللی است و نقش مؤثری در تسهیل تجارت جهانی و حمایت از تجار دارد. این کنوانسیون از طریق حمایت از استقلال و حاکمیت اراده تجار، شناسایی و تثبیت عرف و رویه‌های تجاری، هماهنگ‌سازی و یکسان‌سازی قوانین و کاهش تعارض قوانین و ارائه قواعد تفسیری یکنواخت برای حل اختلافات عمل می‌کند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نه تنها چالش‌های حقوقی تجار را مدیریت کرده، بلکه با کاهش ریسک‌ها و هزینه‌ها، اعتماد را تقویت و تجارت جهانی را پایدارتر و فراگیرتر ساخته است.

واژگان کلیدی: تجارت بین‌الملل، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حاکمیت اراده، رویه تجاری، یکنواخت‌سازی قوانین.

Received: 2026/06/24 - Review: 2026/08/20 - Accepted: 2026/09/09

دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۶/۲۴ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۵/۰۸/۲۰ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۹/۰۹

ارجاع:

چوگانی، اسماعیل؛ (۱۴۰۵)، تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی، تمدن حقوقی، شماره ۲۸.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

تجارت بین‌المللی، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین فعالیت‌های بشری، همواره در طول تاریخ در حال توسعه بوده است. انسان‌ها از طریق تجارت به کالاهایی دسترسی داشته‌اند که امکان تولید آن‌ها در منطقه خودشان وجود نداشته است، زیرا تولید کلیه کالاها و خدمات در داخل یک کشور، حتی در صورت امکان، از نظر اقتصادی مقرون به صرفه نیست (شیروی، ۱۴۰۴، ۷). این فعالیت نه تنها نیازهای اساسی جوامع را برآورده ساخته، بلکه به‌عنوان موتور محرکه رشد اقتصادی، تبادل فرهنگی و پیشرفت تکنولوژیکی عمل کرده است.

با این حال، تجار در عرصه بین‌الملل با چالش‌های ساختاری و حقوقی متعددی روبه‌رو بوده‌اند؛ چالش‌هایی همچون محدودیت در استقلال و آزادی تجاری، عدم توجه کافی نظام‌های حقوقی ملی به عرف و رویه بین‌المللی، عدم هماهنگی قوانین ملی کشورها که مستقیماً مانع توسعه اقتصادی و افزایش ریسک فعالیت‌های فرامرزی می‌شود، ابهامات قراردادی ناشی از تفسیرهای متفاوت، هزینه‌های معاملاتی و حقوقی بالا، ریسک تعارض قوانین و پیچیدگی‌های حل اختلافات فرامرزی که اغلب به اطلاع دادرسی و کاهش پیش‌بینی‌پذیری منجر می‌شود. این موانع نه تنها رشد و گسترش

تجارت را محدود می‌کنند، بلکه اعتماد متقابل بین طرفین را کاهش داده، ریسک فعالیت‌های تجاری را افزایش می‌دهند و در نهایت، توسعه اقتصادی جهانی را کند می‌سازند.

در این میان، حقوق تجارت بین‌الملل به‌عنوان مجموعه‌ای از قواعد، اصول، قوانین و مقرراتی که روابط تجاری فرامرزی را کنترل و تنظیم می‌کند، نقش حیاتی در کاهش این چالش‌ها ایفاء می‌کند (موسوی و همکاران، ۱۴۰۰، ۴۰۶). یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای این حوزه، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا^۱ است که تمرکز خود را بر مهم‌ترین رکن تجارت جهانی، یعنی معاملات کالا، قرار داده است. این کنوانسیون با ایجاد یک رژیم حقوقی متحدالشکل، مدرن و منصفانه، بیش از نودوپنج کشور را پوشش داده و به‌عنوان یکی از موفق‌ترین اسناد حقوقی بین‌المللی شناخته می‌شود.

پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی-توصیفی به بررسی این پرسش می‌پردازد که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا تا چه اندازه توانسته است چالش‌های حقوقی تجار در تجارت بین‌الملل را کاهش دهد و اگر مؤثر بوده، این تأثیر در چه محورهایی محقق شده است؟ شواهد نشان می‌دهند که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا توانسته است نقش به‌سزایی در تقویت تجارت جهانی ایفاء کند، اعتماد تجار را افزایش دهد، ریسک‌های حقوقی را به حداقل برساند و تجارت بین‌المللی را پایدارتر و فراگیرتر سازد. در نهایت، این پژوهش علاوه بر غنی‌سازی دانش حقوقی در حوزه تجارت بین‌الملل، می‌تواند به‌عنوان گامی مؤثر در همگرایی قوانین با نیازهای اقتصادی و تجاری جهانی مطرح شود.

۱- جایگاه کنوانسیون بیع بین‌المللی در حقوق تجارت بین‌الملل

در دنیای معاصر، تجارت بین‌الملل به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین اقتصاد جهانی، نقشی تعیین‌کننده در توسعه اقتصادی کشورها ایفاء می‌کند. در ادبیات کلاسیک و نوین تجارت بین‌الملل، تمرکز اصلی عمدتاً بر مبادله کالا است؛ زیرا هیچ کشوری قادر نیست تمامی نیازها و احتیاجات خود را صرفاً از طریق تولید داخلی تأمین کند. از این رو، وابستگی به تجارت خارجی امری اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود

1- United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods (CISG)

(موسوی و همکاران، ۱۴۰۰، ۴۰۴). این وابستگی متقابل نه تنها امکان دسترسی کشورها به کالاهای ضروری را فراهم می‌آورد، بلکه به عنوان نیرویی محرک، فرایند رشد و توسعه اقتصادی را نیز تسریع می‌کند.

اهمیت تجارت خارجی برای اقتصاد جهانی امری غیرقابل انکار است و شواهد آماری نشان می‌دهد که حجم تجارت جهانی در دهه‌های اخیر به طور چشمگیری افزایش یافته است. برای نمونه، بر اساس گزارش‌های منتشرشده از سوی سازمان تجارت جهانی و سازمان تجارت و توسعه ملل متحد، حجم تجارت جهانی کالا و خدمات در سال ۲۰۲۵ میلادی به بیش از سی و پنج تریلیون دلار رسیده که در مقایسه با سال ۲۰۲۴ میلادی رشدی حدود هفت درصد را نشان می‌دهد؛ رشدی که تأثیر مثبت و معناداری بر عملکرد اقتصاد جهانی بر جای گذاشته است. توسعه تجارت خارجی با افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات در بازارهای بین‌المللی، به گسترش تولید، افزایش فروش، ایجاد فرصت‌های شغلی و در نهایت، تقویت رشد اقتصادی منجر می‌شود. علاوه بر این، تجارت کالا سهم قابل توجهی در تولید ناخالص داخلی بسیاری از کشورها دارد. به عنوان مثال، در اقتصادهای نوظهوری همچون چین و هندوستان، صادرات کالا بیش از بیست درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد^۲ و به عنوان یکی از محرک‌های اصلی رشد اقتصادی این کشورها عمل کرده است. این امر نشان می‌دهد که مبادله کالا نه تنها در سطح خرد تجاری، بلکه در سطح کلان اقتصادی نیز از اهمیت بنیادین برخوردار است.

در سال‌های اخیر، فرایند جهانی‌شدن تحولات گسترده‌ای را در اقتصاد بین‌الملل به همراه داشته است. با گسترش جهانی‌سازی، اقتصادهای ملی به تدریج در یک شبکه اقتصادی جهانی ادغام شده‌اند و نوعی گذار به سوی اقتصاد جهانی واحد آغاز گردیده است. نتیجه این روند، افزایش وابستگی

2- World Bank, 2024a

2- World Bank, 2024b

متقابل اقتصادی کشورها و کاهش نقش مرزهای ملی در مبادلات تجاری بوده است (Kırcicek&Ozparlak,2023,191). در چنین فضایی، تجارت بین‌المللی امکان دسترسی مصرف‌کنندگان به کالاها و خدماتی را فراهم می‌کند که در داخل کشور قابل تولید یا تأمین نیست و از این طریق، سطح رفاه و رضایت مصرف‌کننده افزایش می‌یابد.

تجارت بین‌الملل همچنین پویایی اقتصاد جهانی را تضمین می‌کند؛ به گونه‌ای که عرضه، تقاضا و قیمت‌ها به شدت تحت تأثیر تحولات و رویدادهای جهانی قرار می‌گیرند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تجارت خارجی تأثیر عمیقی بر رشد اقتصادی کشورها دارد (Vijayasri,2013,22) و این تأثیر به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه آشکارتر است. در این کشورها، تجارت خارجی علاوه بر تأمین ارز خارجی، به انتقال فناوری، افزایش ظرفیت تولید و شکل‌گیری زنجیره‌های ارزش جهانی کمک می‌کند. از منظر عملی نیز، بازرگانان در عرصه تجارت بین‌الملل همواره در پی انعقاد بیعی مطمئن در کوتاه‌ترین زمان ممکن هستند تا با کاهش مخاطرات، صرفه‌جویی در زمان و هزینه را محقق سازند (طالب احمدی و میرفردی، ۱۴۰۳، ۲۱۷). این گرایش به کارایی و سرعت، تجارت بین‌الملل را به فرایندی پویا و تأثیرگذار بر رشد اقتصادی جهانی تبدیل کرده است.

با توجه به اهمیت روزافزون تجارت بین‌الملل، تلاش‌های گسترده‌ای در سطح بین‌المللی برای تسهیل و تنظیم آن صورت گرفته است. نهادهایی نظیر سازمان تجارت و توسعه ملل متحد، سازمان تجارت جهانی و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نقش محوری در این زمینه ایفاء کرده‌اند. سازمان تجارت و توسعه ملل متحد از دهه ۱۹۶۰ میلادی به بعد، تمرکز ویژه‌ای بر ترویج تجارت عادلانه میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته داشته و با انتشار گزارش‌هایی^۳، روندهای تجارت جهانی را تحلیل می‌کند. سازمان تجارت جهانی نیز به‌عنوان نهاد اصلی تنظیم‌کننده تجارت جهانی، از

طریق موافقتنامه‌هایی^۴، در جهت کاهش موانع تجاری و ایجاد سازوکارهای حل و فصل اختلافات تجاری گام برداشته است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز با ارائه تحلیل‌های سیاستی و گزارش‌های سالانه، به ارتقای استانداردهای تجاری در میان کشورهای عضو کمک می‌کند.

در کنار این نهادها، اسناد و قواعد حقوقی متعددی به منظور ایجاد چهارچوبی هماهنگ برای تجارت بین‌الملل تدوین شده‌اند؛ از جمله اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپایی. این اسناد، با هدف کاهش ناهمگونی قوانین ملی و افزایش پیش‌بینی‌پذیری حقوقی در معاملات فرامرزی، نقش مکمل مهمی در توسعه تجارت ایفاء می‌کنند. مجموع این تلاش‌ها بیانگر آن است که جامعه بین‌المللی، تجارت را به عنوان موتور محرک رشد اقتصادی‌شناسایی کرده و در جهت هماهنگ‌سازی قواعد حقوقی حاکم بر آن گام برداشته است. در همین راستا، در نشست‌های اخیر سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۲۴ میلادی نیز بر اهمیت تجارت کالا در زنجیره‌های تأمین جهانی تأکید شده و پیشنهادهایی برای کاهش تعرفه‌های کالایی مطرح گردیده است.^۵

در میان این ابتکارات، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا مصوب ۱۹۸۰ میلادی، یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای حقوق تجارت بین‌الملل محسوب می‌شود. این کنوانسیون که تحت نظارت کمیسیون حقوق تجارت بین‌المللی سازمان ملل تدوین شده است، مستقیماً به حوزه مبادله کالا می‌پردازد؛ حوزه‌ای که هسته اصلی تجارت بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که بیش از نود درصد حجم تجارت جهانی به مبادله کالا اختصاص دارد.^۶ با تمرکز بر قراردادهای بیع کالا، پیوندی مؤثر میان واقعیت‌های عملی تجارت و یک چهارچوب حقوقی یکپارچه ایجاد کرده است.

این کنوانسیون با عضویت بیش از نود و هفت کشور تا سال ۲۰۲۵ میلادی، به عنوان ابزاری کلیدی

4- GATT-TRIPS

5- World Trade Organization, 2024

6- World Trade Organization, 2024a

در تسهیل تجارت بین‌الملل ایفای نقش می‌کند. مزیت اصلی کنوانسیون بیع بین‌المللی در آن است که قراردادهای بیع بین‌المللی کالا را از پراکندگی و پیچیدگی قوانین ملی رها ساخته و تحت یک رژیم حقوقی بین‌المللی واحد قرار می‌دهد؛ امری که به افزایش امنیت حقوقی، کاهش هزینه‌های معاملاتی و در نهایت توسعه تجارت جهانی منجر می‌شود. افزون بر این، کنوانسیون بیع بین‌المللی در سال‌های اخیر نقش فزاینده‌ای در حوزه تجارت الکترونیکی کالا یافته است؛ جایی که معاملات از طریق پلتفرم‌های دیجیتال انجام می‌گیرند و این کنوانسیون می‌تواند چهارچوبی حقوقی برای تنظیم چنین مبادلاتی فراهم آورد.

در نهایت، جایگاه کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در حقوق تجارت بین‌الملل صرفاً به‌عنوان یک سند حقوقی مستقل قابل تحلیل نیست، بلکه باید آن را بخشی از فرایند گسترده‌تر جهانی‌سازی و توسعه تجارت جهانی دانست. این کنوانسیون با تمرکز بر مبادله کالا، به کشورها امکان داده است تا وابستگی متقابل اقتصادی خود را در قالبی حقوقی و قابل پیش‌بینی مدیریت کنند و از مزایای تجارت برای رشد اقتصادی بهره‌مند شوند.

۲- جلوه‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از تجار در تجارت بین‌الملل

۲-۱- حمایت از استقلال و حاکمیت اراده تاجر در تجارت بین‌الملل

در دنیای معاصر، قرارداد به‌عنوان مهم‌ترین ابزار حقوقی تنظیم روابط تاجر در تجارت جهانی ایفای نقش می‌کند. امروزه قراردادها از حصار تنگ مرزهای سرزمینی فراتر رفته و به اصلی‌ترین وسیله ارتباطی و تنظیم روابط حقوقی در عرصه تجارت فرامرزی تبدیل شده‌اند (افضلی‌مهر و وحدتی شبیری، ۱۳۹۵، ۸۸). تجارت بین‌الملل، به‌عنوان موتور محرک اقتصاد جهانی، بیش از هر حوزه دیگری بر اعتماد به اراده آزاد طرفین، یعنی تاجر حرفه‌ای، استوار است. در این چهارچوب، آزادی تجاری نه صرفاً یک حق، بلکه ضرورتی بنیادین برای تحقق و استمرار مبادلات بین‌المللی تلقی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که می‌توان گفت تجارت بین‌الملل در مجموع از آزادی تجاری بیش از ایجاد

هرگونه محدودیت سود می‌برد (شیروی، ۱۴۰۴، ۹۵). این آزادی ریشه در اصل بنیادین «حاکمیت اراده» دارد؛ اصلی که به موجب آن، هر تاجر اختیار دارد شریک تجاری خود را آزادانه انتخاب کند و در شرایطی برابر، حقوق و تعهدات قراردادی خویش را تعیین نماید (کاتوزیان، ۱۴۰۴، ۱۰۲). در واقع، اختیار تاجر در انتخاب طرف معامله، تعیین شیوه تأمین کالا یا خدمات، تنظیم شروط خاص هر معامله و حتی پیش‌بینی سازوکارهای حل و فصل اختلاف، بنیان اصلی تجارت بین‌الملل را تشکیل می‌دهد (نوری و نخجوانی، ۱۳۹۰، ۱۲۱).

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا که از موفق‌ترین اسناد یکنواخت‌سازی حقوق تجارت بین‌الملل به شمار می‌رود، با درک صحیح این ضرورت، اصل حاکمیت اراده را در صدر جلوه‌های حمایتی خود از تاجر قرار داده است. این کنوانسیون با به رسمیت شناختن آزادی، استقلال و حاکمیت اراده تاجر، قواعد خود را عمدتاً به صورت قواعد تکمیلی تنظیم کرده است؛ بدین معنا که مقررات کنوانسیون در حکم قواعد پیش‌فرض‌اند و تنها در صورت سکوت یا توافق خلاف طرفین اعمال می‌شوند. چنین رویکردی به طرفین اجازه می‌دهد روابط قراردادی خود را متناسب با نیازهای واقعی، ملاحظات اقتصادی و اقتضائات خاص فعالیت تجاری‌شان تنظیم کنند.

حمایت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از حاکمیت اراده از همان مرحله انعقاد قرارداد آغاز می‌شود. مطابق ماده ۱۱ کنوانسیون، انعقاد قرارداد بیع بین‌المللی منوط به رعایت تشریفات شکلی خاصی نیست و قرارداد نه تنها نیازمند تنظیم کتبی نیست، بلکه وجود آن به هر وسیله‌ای، از جمله شهادت شهود، قابل اثبات است. این حکم، آزادی بی‌سابقه‌ای را در شکل قرارداد به رسمیت می‌شناسد و به تاجر اجازه می‌دهد قراردادهای خود را به هر شیوه‌ای که مقتضیات تجارت ایجاب می‌کند^۷ منعقد نمایند. همین رویکرد انعطاف‌پذیر در سایر مقررات کنوانسیون نیز مشهود است؛ از جمله ماده ۲۹ که امکان تعدیل یا اقاله قرارداد را به هر شکلی که طرفین توافق کنند به رسمیت

۷- اعم از شفاهی، مکاتبات الکترونیکی، ایمیل، پیام‌های تجاری و سایر ابزارهای ارتباطی نوین

می‌شناسد و ماده ۱۳ که تلگرام و سایر وسایل ارتباطی مشابه را در حکم «نوشته» تلقی می‌کند. بدین ترتیب، کنوانسیون خود را با واقعیت‌های عملی تجارت بین‌الملل و تحولات فناوری هماهنگ ساخته است. هرچند ماده ۹۶ کنوانسیون به دولت‌های متعاقد اجازه داده است در مواردی که حقوق داخلی آن‌ها شکل کتبی قرارداد را الزامی می‌داند، اعلامیه تفسیری صادر کنند، اما این استثناء محدود، شفاف و قابل پیش‌بینی است و از ماهیت قاعده‌محور آزادی شکل قرارداد نمی‌کاهد. به بیان دیگر، اصل کلی همچنان آزادی اراده طرفین در تعیین شکل قرارداد باقی می‌ماند.

باین حال، مهم‌ترین و صریح‌ترین جلوه حمایت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از حاکمیت اراده را باید در ماده ۶ آن جست‌وجو کرد. به موجب این ماده، طرفین می‌توانند شمول کنوانسیون را به‌طور کامل استثناء کنند یا با رعایت ماده ۱۲، از آثار هریک از مقررات آن عدول کرده یا آن‌ها را تغییر دهند. این ماده را به‌درستی می‌توان «قلب تپنده کنوانسیون» دانست؛ چرا که جایگاه برتر قصد و اراده طرفین را بر تمام نظام حقوقی کنوانسیون تثبیت می‌کند. لذا مشهود است که حاکمیت اراده به‌تجارت این حق را می‌دهد که حتی قوانین حاکم بر ماهیت قرارداد را حذف یا تغییر دهند (Schroeter, 2002, 258). بدین ترتیب، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، حاکمیت اراده را نه تنها در مرحله انعقاد قرارداد، بلکه در تمام مراحل چرخه قراردادی از مذاکرات مقدماتی و تشکیل قرارداد^۸، تا اجرای تعهدات، فسخ و تعیین ضمانت‌اجراها^۹ به رسمیت می‌شناسد.

این آزادی حتی به مرحله حل و فصل اختلافات نیز تسری یافته است. اصل آزادی اراده در انتخاب داوری که امروزه بخش عمده‌ای از قراردادهای تجاری بین‌المللی را دربرمی‌گیرد، یکی از بارزترین جلوه‌های این حمایت است. تجار حرفه‌ای می‌توانند با اتکاء به این اصل، مرجع حل اختلاف، قانون

۸- ماده‌های ۱۴ الی ۲۴

۹- ماده‌های ۲۵ الی ۸۸

حاکم بر داوری و حتی قواعد آیینی رسیدگی را خود تعیین کنند؛ امری که به طور مستقیم موجب افزایش پیش‌بینی‌پذیری و کاهش هزینه‌های اختلافات تجاری می‌شود (علمی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۴۳). در مقام مقایسه، هرچند اصل حاکمیت اراده در اغلب نظام‌های حقوقی داخلی نیز پذیرفته شده است^{۱۰} اما این اصل در حقوق داخلی با محدودیت‌های قابل توجهی همچون قوانین آمره، نظم عمومی، اخلاق حسنه و رویکردهای حمایتی از طرف ضعیف قرارداد مواجه است. برای نمونه، ماده ۹۷۵ قانون مدنی ایران قراردادهای مخالف با قوانین آمره را غیرقابل اجرا می‌داند. در مقابل، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا حداقل مداخله آمره را بر آزادی قراردادی اعمال می‌کند و از هرگونه رویکرد پدرمآبانه پرهیز دارد. این ویژگی، کنوانسیون را به نظامی «تجارمحور» بدل کرده است که به جای حمایت‌های دستوری، بر عقلانیت اقتصادی و توان چانه‌زنی برابر طرفین تکیه دارد.^{۱۱}

در نهایت، می‌توان گفت کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، چه از منظر شکلی و چه از حیث ماهوی، حاکمیت اراده تجار را به گونه‌ای بی‌سابقه به رسمیت شناخته است. این انعطاف‌پذیری، قرارداد را به ابزاری پویا، کارآمد و منطبق با نیازهای واقعی تجارت جهانی تبدیل می‌کند. احترام به اراده آزاد طرفین، نه تنها مهم‌ترین جلوه حمایتی کنوانسیون از تجار است، بلکه مبنایی اساسی برای افزایش اعتماد، کاهش هزینه‌های معاملات و تقویت امنیت حقوقی در تجارت بین‌الملل به شمار می‌رود و زمینه‌ساز سایر جلوه‌های حمایتی کنوانسیون در مباحث آتی خواهد بود.

۲-۲- شناسایی و تثبیت عرف و رویه بین تجار در تجارت بین‌الملل

عرف و رویه تجاری از دیرباز به عنوان یکی از ریشه‌ای‌ترین و کهن‌ترین منابع حقوق تجارت شناخته شده‌اند. شالوده اصلی بسیاری از نظام‌های حقوقی جهان بر عرف استوار بوده و قواعد حقوقی در آغاز، نه محصول اراده قانون‌گذار، بلکه نتیجه رفتارهای تکرارشونده و پذیرفته‌شده اعضای جامعه

۱۰- از جمله ماده ۱۰ قانون مدنی

بوده‌اند. انسان‌ها بر اساس ضرورت‌های زندگی اجتماعی و به‌منظور تنظیم روابط و هماهنگ‌سازی رفتارها، به‌تدریج الگوهای رفتاری مشابهی را اتخاذ کرده و بدون طراحی قبلی، به مجموعه‌ای از قواعد نانوشته پایبند شده‌اند؛ قواعدی که بعدها ماهیتی حقوقی یافته‌اند (آل کجبا، ۱۳۹۳، ۳۱). نشانه‌های شکل‌گیری حقوق عرفی بازرگانی حتی در روم باستان نیز قابل مشاهده است؛ جایی که قواعد عملی تجار نقش مهمی در تنظیم مبادلات ایفاء می‌کرد. با گسترش تجارت بین‌الملل و افزایش نقش‌آفرینی اشخاص حقوق خصوصی در عرصه مبادلات فرامرزی، به‌ویژه از اوایل قرن بیستم میلادی، از حاکمیت مطلق قوانین ملی بر قراردادهای تجاری بین‌المللی کاسته شد. در این بستر، مجموعه‌ای از قواعد عرفی مورد پذیرش تجار شکل گرفت که تحت عنوان «حقوق تجار» شناخته می‌شود؛ مجموعه‌ای از قواعد فراملی که نه بر مبنای اراده دولت‌ها، بلکه بر پایه رفتار و انتظارات مشترک تجار حرفه‌ای بنا شده است (حاذق‌پور و علوی‌یزدی، ۱۳۹۵، ۱۰۰).

در دنیای معاصر، تجارت بین‌الملل بیش از هر حوزه دیگری بر عرف و رویه تکیه دارد. این دو عنصر کارکردی به‌مراتب مؤثرتر از قوانین ملی ایفاء می‌کنند؛ زیرا برخلاف قواعد آمره و نسبتاً ایستای حقوق داخلی که غالباً با پویایی و پیچیدگی تجارت فرامرزی ناسازگارند، عرف و رویه مستقیماً از دل رفتارهای واقعی تجار استخراج شده‌اند. از این‌رو، نه تنها با اراده و نیازهای عملی طرفین تعارضی ندارند، بلکه انعطاف‌پذیری قابل توجهی به روابط قراردادی می‌بخشند. افزون بر این، عرف و رویه با افزایش پیش‌بینی‌پذیری معاملات، کاهش هزینه‌های حقوقی و قضایی، تقویت اعتماد متقابل و کاستن از مداخلات غیرضروری دولت‌ها، نقشی اساسی در کارآمدی تجارت بین‌الملل ایفاء می‌کنند. به همین دلیل، عرف‌های تجاری به‌عنوان یکی از منابع اصلی حقوق تجارت بین‌الملل، به‌تدریج واجد قدرت الزام‌آور شده‌اند (باقری و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۷).

عرف تجاری در معنای خاص، به مجموعه‌ای از رفتارها، عادات و الگوهای رفتاری تثبیت‌شده اطلاق می‌شود که در یک شاخه یا بخش خاص تجاری، میان تمام تجار یا گروه مشخصی از آنها

به طور منظم رعایت می‌شود؛ به گونه‌ای که طرفین یک معامله تجاری، رعایت آن را از یکدیگر انتظار دارند. چنین عرف‌هایی به دلیل تکرار، شهرت و پذیرش عمومی در میان تجار، از اهمیت حقوقی برخوردارند و در برخی موارد حتی به سطحی از الزام می‌رسند که نادیده گرفتن آن‌ها می‌تواند به نقض قرارداد تعبیر شود (اصغری آقمشهدی و تقی‌پور درزی نقیسی، ۱۳۹۶، ۴۱۷). در معنای عام‌تر، عرف به کلیه رویه‌ها و شیوه‌های عملی بازرگانان در جریان تجارت اطلاق می‌شود (شیروی، ۱۴۰۴، ۴۶). در کنار عرف، «رویه تجاری» نیز از منابع مهم حقوق تجارت بین‌الملل به شمار می‌رود. رویه به مجموعه‌ای از رفتارها و هنجارهای رفتاری اطلاق می‌شود که در نتیجه معاملات مکرر پیشین، میان دو تاجر یا دو شرکت خاص شکل گرفته و به تدریج جنبه الزام‌آور یافته است (شیروی، ۱۴۰۴، ۴۰). برخلاف عرف، رویه ماهیتی شخصی و دوجانبه دارد و دامنه اعمال آن محدود به همان طرفین خاص قرارداد است.

هرچند عرف و رویه در نگاه نخست مترادف به نظر می‌رسند، اما از منظر حقوقی دارای مفاهیم متمایزی هستند (اصغری آقمشهدی و تقی‌پور درزی نقیسی، ۱۳۹۶، ۴۱۶). تفاوت اساسی آن‌ها در منشأ و گستره اعمال نهفته است: عرف ماهیتی عام دارد و در سطح یک صنعت یا نوع خاصی از تجارت رواج می‌یابد، درحالی‌که رویه نتیجه روابط قراردادی پیشین میان دو طرف مشخص است. از همین رو، رویه معمولاً بیانگر قصد واقعی تر طرفین بوده و در صورت تعارض، می‌تواند بر عرف عام مقدم شود.

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با درکی دقیق از نقش بنیادین عرف و رویه در تجارت فرامرزی، آن‌ها را به عنوان منبعی مستقل و ضمنی در حقوق قراردادهای بین‌المللی به رسمیت شناخته و بدین سان یکی از مهم‌ترین جلوه‌های حمایتی خود از تاجر را رقم زده است. ماده ۹ کنوانسیون در این زمینه نقشی محوری ایفاء می‌کند. مطابق بند نخست این ماده، طرفین به هرگونه عرف مورد توافق و رویه‌ای که میان آن‌ها برقرار شده است، ملتزم هستند. بند دوم ماده ۹ نیز با فرض آگاهی یا لزوم آگاهی طرفین از عرف‌های شناخته‌شده و منظم در تجارت بین‌الملل، اعمال این عرف‌ها را به طور ضمنی بخشی از

قرارداد تلقی می‌کند، مگر آن که خلاف آن اثبات شود. اهمیت این مقرر در آن است که کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، عرف و رویه را نه صرفاً به‌عنوان ابزار تفسیری، بلکه به‌عنوان جزئی از محتوای قراردادشناسایی می‌کند. افزون بر این، کنوانسیون تمایزی روشن میان «رویه» و «عرف» قائل شده است؛ تمایزی که در بسیاری از نظام‌های حقوقی داخلی به‌صورت دقیق مشاهده نمی‌شود. در چهارچوب کنوانسیون، رویه‌های شکل گرفته میان طرفین، حتی در صورت تعارض با عرف عام، غالباً اولویت دارند؛ زیرا بازتاب مستقیم قصد و اراده واقعی تجار محسوب می‌شوند.

هرچند اصل شناسایی عرف و رویه در اغلب نظام‌های حقوقی داخلی نیز پذیرفته شده است^{۱۲} اما در حقوق داخلی، این عناصر معمولاً نقشی تکمیلی و فرعی ایفاء می‌کنند و همواره تابع قوانین آمره، نظم عمومی و اخلاق حسنه هستند. در مقابل، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با فرض حرفه‌ای بودن و برابری کامل تجار، عرف و رویه را به‌عنوان منبعی مستقل و اولویت‌دار تثبیت کرده است.

این رویکرد برتر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را می‌توان در چند محور اساسی خلاصه کرد: نخست، انطباق عرف و رویه با ماهیت فرامرزی تجارت؛ زیرا برخلاف قوانین ملی که ماهیتی محلی و ایستا دارند، عرف‌ها پویا و فراملی‌اند. دوم، حمایت از خودمختاری و استقلال اراده تجار؛ چرا که کنوانسیون بدون نیاز به تصریح، عرف و رویه را بخشی از قرارداد تلقی می‌کند. سوم، کاهش تعارضات و افزایش پیش‌بینی‌پذیری؛ زیرا عرف و رویه بر پایه رفتار واقعی تجار شکل گرفته‌اند. در نهایت، رویکرد تجارمحور کنوانسیون که برخلاف بسیاری از نظام‌های داخلی متمایل به حمایت از مصرف‌کننده، عرف را ابزاری برای ارتقاء کارایی اقتصادی و کاهش هزینه‌های معاملاتی می‌داند (Coetzee, 2015).

۳-۲- توسعه تجارت بین‌الملل از طریق هماهنگ‌سازی قوانین

توسعه تجارت بین‌الملل در پرتو گسترش نیازهای اقتصادی و تجاری، کشورها را به سوی وحدت

۱۲- برای نمونه ماده‌های ۲۲۰ و ۲۲۱ قانون مدنی به عرف و عادت اشاره دارند

حقوقی و هماهنگ‌سازی مقررات سوق داده است. هرچه حجم مبادلات تجاری کشورها افزایش یابد و میزان ادغام آن‌ها در اقتصاد جهانی عمیق‌تر شود، ضرورت یکسان‌سازی قواعد حقوقی حاکم بر روابط تجاری نیز به‌صورت ملموس‌تری احساس می‌شود. در چنین بستری، هماهنگ‌سازی قوانین نه تنها ابزاری برای تسهیل مبادلات فرامرزی، بلکه شرطی اساسی برای کاهش ناطمینانی حقوقی و افزایش کارایی اقتصادی تلقی می‌گردد. در این میان، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بدون تردید یکی از مهم‌ترین و موفق‌ترین تلاش‌ها در تاریخ یکسان‌سازی مقررات ماهوی قراردادهای در سطح بین‌المللی به شمار می‌آید. به‌درستی می‌توان ادعا کرد که این کنوانسیون نمونه‌ای برجسته از فعالیت‌های هماهنگ‌ساز حقوقی است که توانسته است با موفقیت، قواعدی یکنواخت و کارآمد را در حوزه بیع بین‌المللی برقرار سازد (شیروی، ۱۴۰۴، ۷۰).

افزایش چشمگیر سطح تجارت بین‌المللی در قرن بیستم میلادی، انگیزه اصلی دولت‌ها برای هماهنگ‌سازی قوانین بیع بین‌المللی را فراهم ساخت. در واقع، فشار اولیه برای ایجاد یک رژیم حقوقی یکنواخت در زمینه بیع کالا، مستقیماً ناشی از گسترش کم‌سابقه تجارت جهانی در این دوره بود. کنوانسیون وین، به دلیل طراحی ساختاری و هدفمند خود که به‌طور خاص برای قراردادهای بیع بین‌المللی تدوین شده است، مزایای قابل توجهی در حوزه تجارت بین‌الملل ایجاد کرده و هدف اصلی آن، تسهیل و به حداکثر رساندن مبادلات و فروش بین‌المللی کالاها است (تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷، ۲۴).

این کنوانسیون با ارائه یک رژیم حقوقی مدرن، خنثی و یکنواخت برای قراردادهای بیع کالا، موانع حقوقی ناشی از تفاوت و تعارض قوانین ملی را به‌طور مؤثر کاهش داده است. پیش از تصویب کنوانسیون، تجار در معاملات فرامرزی با چالش‌های متعددی مواجه بودند؛ از جمله اعمال هم‌زمان نظام‌های حقوقی متفاوت از نظام‌های پیرو کامن‌لا گرفته تا نظام‌های رومی-ژرمنی ضرورت بررسی مستمر قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی برای تعیین قانون حاکم، هزینه‌های سنگین مشاوره حقوقی در کشورهای مختلف، پیچیدگی ترجمه اسناد قراردادی و در نهایت، ریسک بالای عدم قطعیت در

تفسیر و حل و فصل اختلافات.

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با قابلیت اعمال خودکار خود به‌عنوان بخشی از حقوق داخلی بیش از نود و چهار کشور متعاقد^{۱۳}، این مشکلات را به حداقل رسانده است. این کنوانسیون مجموعه‌ای از قواعد شفاف، منسجم و قابل پیش‌بینی را برای تمامی مراحل قرارداد، از انعقاد و تشکیل قرارداد گرفته تا تعهدات طرفین، انتقال خطر، مفهوم نقض اساسی، فسخ و جبران خسارت، ارائه می‌دهد. پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهند که این هماهنگ‌سازی حقوقی، هزینه‌های معاملاتی را به‌طور قابل توجهی کاهش داده و پیش‌بینی‌پذیری حقوقی را در روابط تجاری بین‌المللی افزایش داده است (Zeller, 2022)، به‌نحوی که در بسیاری از موارد، طرفین دیگر نیازی به مذاکرات طولانی برای انتخاب قانون حاکم ندارند.

از منظر کاربردی، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا به‌ویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط و زنجیره‌های تأمین جهانی، نقشی تحول‌آفرین ایفاء کرده است. این شرکت‌ها که غالباً از منابع حقوقی گسترده برخوردار نیستند، می‌توانند با اتکاء به قواعد یکنواخت کنوانسیون، بدون دغدغه تفاوت‌های حقوق ملی، در بازارهای بین‌المللی فعالیت کنند. برای نمونه، در صنایعی نظیر الکترونیک و خودروسازی، شرکت‌های فعال در کشورهای مختلف با استفاده از کنوانسیون، قراردادهای زنجیره‌ای خود را ساده‌تر مدیریت کرده و ریسک‌های حقوقی را به‌طور محسوسی کاهش داده‌اند. حتی در بحران‌های جهانی نظیر همه‌گیری کووید-۱۹، قواعد کنوانسیون^{۱۴} به حفظ ثبات قراردادی کمک کرده و انعطاف‌پذیری این رژیم حقوقی را در مواجهه با اختلالات جهانی به نمایش گذاشته است.

آمار منتشرشده توسط آنستیرال نشان می‌دهد که کشورهای عضو کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بیش از دو سوم تا چهار پنجم تجارت جهانی کالا را پوشش می‌دهند. این پوشش گسترده، به‌طور

۱۳- هرگاه شرایط مقرر در ماده اول آن فراهم باشد

۱۴- به‌ویژه ماده ۷۹ در خصوص معافیت از مسئولیت

مستقیم به افزایش حجم مبادلات فرامرزی کمک کرده است. در عمل، تجار حرفه‌ای با پذیرش کنوانسیون قادرند هزینه‌های حقوقی خود را حدود بیست تا سی درصد کاهش دهند، زمان انعقاد قرارداد را کوتاه‌تر سازند و اعتماد متقابل طرفین را با سرعت بیشتری جلب کنند. این هماهنگ‌سازی حقوقی صرفاً یک دستاورد فنی محسوب نمی‌شود، بلکه به‌عنوان یکی از موتورهای محرکه توسعه اقتصادی ایفای نقش می‌کند. کنوانسیون نه تنها تجارت بین‌المللی را تسهیل کرده، بلکه به ادغام عمیق‌تر اقتصادهای ملی در بازار جهانی، انتقال فناوری، ایجاد اشتغال و تحقق رشد پایدار کمک رسانده است. موفقیت این کنوانسیون، الهام‌بخش سایر تلاش‌های هماهنگ‌سازی حقوق قراردادها^{۱۵} بوده و حتی بر اصلاح و نوسازی قوانین ملی در بسیاری از کشورها تأثیر گذار بوده است.

در نهایت، توسعه تجارت بین‌الملل از طریق هماهنگ‌سازی قواعد بیع در چهارچوب کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، امروزه یک واقعیت عملی و روزمره برای میلیون‌ها تاجر در سراسر جهان به شمار می‌آید؛ واقعیتی که با کاهش موانع حقوقی، افزایش اعتماد متقابل و ارتقاء کارایی اقتصادی، به یکی از ستون‌های اساسی اقتصاد جهانی تبدیل شده است (Schwenzer&Hachem, 2009).

۴-۲- تأثیر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بر حل و فصل اختلافات تجار در تجارت بین‌الملل

تأثیر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بر حل و فصل اختلافات تجار در تجارت بین‌الملل، یکی از ابعاد اساسی و عملی موفقیت این کنوانسیون به‌شمار می‌رود؛ بعدی که به‌طور مستقیم با چالش‌های حقوقی تجارت فرامرزی پیوند خورده است. در فضای تجارت بین‌الملل که قراردادهای بیع کالا غالباً میان اشخاصی از کشورهای مختلف و نظام‌های حقوقی ناهمگون منعقد می‌شوند، بروز اختلاف امری اجتناب‌ناپذیر است. آن چه پس از وقوع اختلاف، به‌ویژه در سطح بین‌المللی، اهمیت بنیادین می‌یابد، کاهش مدت دادرسی، کاهش هزینه‌های حل اختلاف و تضمین رسیدگی عادلانه و کارآمد است.

۱۵- از جمله اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و اصول حقوق قراردادهای اروپا

تحقق این اهداف در شرایطی که مقررات واحد و هماهنگ در عرصه بین‌المللی وجود نداشته باشد، با دشواری‌های جدی مواجه می‌شود؛ چرا که اختلافات تجاری در چنین وضعیتی با چالش‌هایی نظیر تعیین قانون حاکم، تعارض نظام‌های حقوقی ملی و اختلاف در شیوه‌های تفسیر قراردادها روبرو می‌گردد. این عوامل، نه تنها موجب اطاله دادرسی و افزایش هزینه‌ها می‌شوند، بلکه می‌توانند به صدور آرای غیرمنسجم و حتی ناعادلانه منجر شوند. پیامد نهایی این وضعیت، افزایش ریسک حقوقی فعالیت‌های تجاری و در نتیجه کاهش میل و رغبت تجار به مشارکت در تجارت بین‌الملل است؛ امری که خود مانعی جدی در مسیر توسعه تجارت جهانی محسوب می‌شود.

کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با ایجاد یک رژیم حقوقی متحدالشکل، مدرن و منصفانه، علاوه بر کمک به توسعه تجارت جهانی، نقشی محوری در حل و فصل اختلافات تجاری ایفاء کرده است. این کنوانسیون، از یک سو از طریق یکسان‌سازی قواعد ماهوی بیع بین‌المللی و تأکید بر تفسیر یکپوخت آن‌ها^{۱۶}، نیاز به رجوع به قواعد حل تعارض را به‌طور قابل توجهی کاهش داده و از سوی دیگر، به عنوان قانون پیش فرض قراردادهای بیع بین‌المللی میان کشورهای عضو اعمال می‌شود، مگر آن که طرفین به صراحت آن را کنار بگذارند.^{۱۷} بدین ترتیب، کنوانسیون با کاستن از عدم قطعیت‌های حقوقی، زمینه حل سریع تر و کم هزینه تر اختلافات را فراهم می‌سازد.

علاوه بر این، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با فراهم کردن ابزارهای تفسیری دقیق و هماهنگ برای قراردادهای، نقش مهمی در کاهش اختلافات ناشی از تفاوت برداشت‌های حقوقی ایفاء می‌کند (ایزدپناه و ایزدپناه، ۱۴۰۰، ۷۶). یکی از نوآوری‌های کلیدی کنوانسیون در این زمینه، ارائه قواعد تفسیری منسجم برای تفسیر اراده طرفین و مفاد قرارداد است؛ قواعدی که از بروز ابهامات ناشی از تفاوت نظام‌های حقوقی ملی جلوگیری کرده و مستقیماً در خدمت حل اختلافات قرار می‌گیرند. در واقع، پس از هدف اصلی

۱۶- بند اول ماده ۷

۱۷- مطابق ماده ۶ کنوانسیون

کنوانسیون که همانا یکسان سازی مقررات به منظور تسهیل و توسعه تجارت بین الملل است، می توان گفت مهم ترین کارکرد عملی آن، کمک به تفسیر قراردادهای در زمان بروز اختلاف است. اهمیت تفسیر قراردادهای تجاری بین المللی در این مرحله از آن رو است که بخش قابل توجهی از اختلافات، نه ناشی از نقض صریح تعهدات، بلکه حاصل برداشت های متفاوت طرفین از مفاد قرارداد، مذاکرات پیش قراردادی و رفتارهای بعدی آنان است. ماده ۸ کنوانسیون بیع بین المللی کالا که از مقررات عمومی و بنیادین کنوانسین با دامنه شمول گسترده به شمار می رود توجه ویژه ای به این مسئله داشته است (اصغری آقمشهدی و تقی پور درزی نقیعی، ۱۳۹۶، ۴۲۱). این ماده هم در تفسیر اراده طرفین و هم در تفسیر خود قرارداد قابل اعمال است و قواعد تفسیری آن به صورت تفصیلی و مرحله بندی شده تدوین شده است؛ رویکردی که با بسیاری از نظام های حقوقی ملی^{۱۸} تفاوت اساسی دارد.

بر اساس بند اول ماده ۸، اظهارات و رفتارهای طرفین باید مطابق قصد واقعی آنان تفسیر شود، مشروط بر آن که طرف مقابل از این قصد آگاه بوده یا عرفاً نمی توانسته از آن بی اطلاع باشد. در صورتی که قصد واقعی قابل احراز نباشد، بند دوم ماده فوق قصدی را ملاک قرار می دهد که طرف مقابل نسبت به آن آگاه بوده یا نمی توانسته نا آگاه باشد. نهایتاً، در صورت عدم امکان اعمال دو مرحله پیشین، معیار تفسیر، برداشت یک فرد متعارف در همان شرایط خواهد بود. این رویکرد سه مرحله ای، در کنار ماده ۷ کنوانسیون که تفسیر مقررات کنوانسیون را با توجه به ماهیت بین المللی آن، ضرورت ترویج یکنواختی و رعایت حسن نیت هدایت می کند، مجموعه ای منسجم از ابزارهای تفسیری را برای حل اختلافات در اختیار دادگاه ها و داوران قرار می دهد (اصغری آقمشهدی و تقی پور درزی نقیعی، ۱۳۹۶، ۴۲۰).

بر اساس رویه های منعکس شده در دایجست توسط آنسیترال و نظرات شورای مشورتی کنوانسیون بیع بین المللی کالا، این قواعد تفسیری موجب شده است که مراجع حل اختلاف، به جای

۱۸- که غالباً بر اصل معنای ظاهری الفاظ تکیه دارند

تکیه بر قوانین و دکترین‌های ملی، از یک چهارچوب تفسیری واحد و بین‌المللی استفاده کنند. برای مثال، ماده ۸ کنوانسیون مانع از اعمال قواعد متفاوت ملی می‌شود و امکان توجه به مذاکرات پیش‌قراردادی و رفتارهای بعدی طرفین را فراهم می‌سازد. نتیجه این رویکرد، حل سریع‌تر اختلافات با درجه بالاتری از عدالت و پیش‌بینی‌پذیری است؛ زیرا طرفین می‌دانند که تفسیر قرارداد بر مبنای اصول مشترک بین‌المللی صورت خواهد گرفت.

این چهارچوب تفسیری، در کنار یکنواخت‌سازی قواعد ماهوی، زمینه را برای تقویت مکانیسم‌های داوری و رویه قضایی بین‌المللی فراهم کرده است. در عمل، داوران تجاری بین‌المللی در نهادهایی مانند اتاق بازرگانی بین‌المللی، دیوان داوری بین‌المللی لندن و نیز داوری‌های موردی، غالباً کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را به‌عنوان قانون حاکم یا مکمل اعمال می‌کنند؛ حتی در مواردی که طرفین صراحتاً آن را انتخاب نکرده باشند. این گرایش، ریشه در خنثی بودن کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، تعادل آن میان نظام‌های حقوقی کامن‌لا و رومی ژرمنی و تناسب بالای آن با معاملات فرامرزی دارد (Cisár, 2017, 33).

مطالعات تجربی نشان می‌دهند که داوران، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را به‌عنوان نوعی زبان مشترک حقوق فروش بین‌المللی تلقی می‌کنند و از آن به‌عنوان ابزاری کارآمد برای حل اختلافات استفاده می‌نمایند. افزون بر این، نقش کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در شکل‌گیری اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی و پذیرش آن در داوری‌ها به‌عنوان قواعد حقوقی، جایگاه آن را در نظام حل‌وفصل اختلافات تجاری بیش از پیش تثبیت کرده است (Schwenzer, 2014). نتیجه عملی این رویکرد، کاهش هزینه‌های حل اختلاف از طریق پرهیز از رجوع گسترده به کارشناسان حقوق خارجی، افزایش سرعت رسیدگی به‌واسطه وجود رویه‌های نسبتاً یکنواخت و تقویت امنیت و اطمینان حقوقی برای تجار است.

در نهایت، تأثیر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا بر حل اختلافات تجاری، صرفاً به مرحله پس از

بروز اختلاف محدود نمی‌شود، بلکه دارای کارکردی پیشگیرانه نیز هست. با ایجاد اطمینان حقوقی، کاهش ریسک‌های ناشی از عدم قطعیت قانون حاکم و ارائه قواعد تفسیری روشن، از بروز بسیاری از اختلافات جلوگیری می‌کند. این اثر پیشگیرانه، در کنار حمایت از استقلال اراده تجار و تثبیت عرف و رویه‌های تجاری بین‌المللی، نقش کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را در پایدارسازی و توسعه تجارت جهانی به‌عنوان چهارمین اثر بنیادین آن، به‌روشنی نمایان می‌سازد.

نتیجه

تجارت بین‌الملل، به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و مهم‌ترین فعالیت‌های بشری، همواره در طول تاریخ در حال توسعه بوده و نقش کلیدی در رشد اقتصادی، تبادل فرهنگی و پیشرفت جوامع ایفاء کرده است. با این حال، تجار در این عرصه با چالش‌های ساختاری و حقوقی متعددی مواجه بوده‌اند؛ از جمله محدودیت در استقلال و حاکمیت اراده در قراردادهای، عدم توجه کافی نظام‌های حقوقی ملی به عرف و رویه‌های بین‌المللی، عدم هماهنگی قوانین ملی، ابهامات تفسیری قراردادهای، هزینه‌های بالای معاملاتی و حقوقی، ریسک‌های ناشی از تعارض قوانین و پیچیدگی‌های حل اختلافات فرامرزی. این چالش‌ها نه تنها توسعه تجارت را کند می‌کنند، بلکه اعتماد متقابل طرفین را کاهش داده و به‌طور مستقیم بر توسعه اقتصادی جهانی تأثیرگذار هستند. در پاسخ به این چالش‌ها، نهادها و اسناد بین‌المللی متعددی تلاش کرده‌اند تجارت بین‌الملل را تسهیل و تنظیم نمایند؛ از جمله آنستیرال، سازمان جهانی تجارت و سازمان همکاری و توسعه اقتصادی. در میان این ابتکارات، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای حقوق تجارت بین‌الملل، به موفق‌ترین سند یکسان‌سازی حقوقی در این حوزه تبدیل شده است.

جلوه‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا از تجار را می‌توان در چهار محور اصلی مشاهده کرد: اول- حمایت از استقلال و حاکمیت اراده تجار: کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا چه از منظر

شکلی و چه ماهوی، حاکمیت اراده طرفین را به‌طور بی‌سابقه به رسمیت شناخته است. این انعطاف‌پذیری، قراردادها را به ابزاری پویا و منطبق با نیازهای واقعی تجارت تبدیل کرده، اعتماد را تقویت، هزینه‌های معاملاتی را کاهش و امنیت حقوقی را افزایش می‌دهد. دوم-شناسایی و تثبیت عرف و رویه تجاری: کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نقش بنیادین عرف و رویه در تجارت فرامرزی را به‌عنوان منبعی مستقل و ضمنی در حقوق قراردادها به رسمیت شناخته و بدین ترتیب حمایت مهمی از تجار فراهم کرده است. سوم- توسعه تجارت بین‌الملل از طریق هماهنگ‌سازی قوانین: کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا یکی از موفق‌ترین تلاش‌ها در تاریخ برای یکسان‌سازی مقررات ماهوی قراردادها در سطح بین‌المللی است؛ این هماهنگ‌سازی موانع حقوقی را کاهش، پیش‌بینی‌پذیری را افزایش و کارایی اقتصادی را ارتقاء داده است. چهارم- تأثیر بر حل و فصل اختلافات: کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا با ارائه قواعد تفسیری روشن و یکنواخت^{۱۹} و کاهش ریسک ناشی از عدم قطعیت قانون حاکم، نقش پیشگیرانه و مدیریتی در حل اختلافات تجاری دارد و از بروز بسیاری از نزاع‌ها جلوگیری می‌کند. این اثر پیشگیرانه، همراه با حمایت از استقلال اراده و تثبیت عرف، جایگاه کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا را در پایداری و توسعه تجارت جهانی تثبیت می‌کند.

در نهایت، کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا نه تنها چالش‌های حقوقی تجار را مدیریت کرده، بلکه با کاهش ریسک‌ها، هزینه‌ها و ابهامات، اعتماد متقابل را تقویت و تجارت فرامرزی را پایدارتر، فراگیرتر و کارآمدتر ساخته است. موفقیت این کنوانسیون نشان‌دهنده برتری رویکرد متحدالشکل و منصفانه در حقوق تجارت بین‌الملل است و می‌تواند الگویی برای ابتکارات آینده در جهت همگرایی قوانین با نیازهای واقعی اقتصاد جهانی باشد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آل کجباف، حسین، ۱۳۹۳، جایگاه عرف در تجارت الکترونیکی بین‌المللی، **دوفصلنامه دانش حقوق مدنی**، شماره ۲.

- اصغری آقمشهدی، فخرالدین و تقی پور درزی نقیعی، محمدحسین، ۱۳۹۶، مطالعه تطبیقی تأثیر عرف و عادت در تفسیر قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا و حقوق ایران، **دوفصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی**، شماره ۲.

- افضل‌ی مهر، مرضیه و وحدتی شیرینی، سیدحسن، ۱۳۹۵، تحول مفهومی ضوابط تعیین قانون حاکم بر قراردادها در حقوق بین‌الملل خصوصی، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۳.

- ایزدپناه، غلامرضا و ایزدپناه، آزاده، ۱۴۰۰، اصول حاکم بر تفسیر قراردادهای تجاری بین‌المللی، **فصلنامه پژوهش و مطالعات علوم اسلامی**، شماره ۲۷.

- باقری، محمود؛ رستم‌زاد اصلی، سروش؛ عزیزی، ناصر، ۱۳۹۵، نقش عرف‌های تجاری در تجارت بین‌الملل؛ تأثیر متقابل کنوانسیون بیع بین‌الملل و قواعد اینکوئترمز، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۳۰.

- تقی‌پور، بهرام؛ خویینی، غفور؛ مسعودی، سمیرا، ۱۳۹۷، موانع داخلی الحاق ایران به کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۸۴.

- حاذقپور، رضا و علومی یزدی، حمیدرضا، ۱۳۹۶، جایگاه حقوق عرفی بازرگانی فراملی در داوری تجاری بین‌المللی، **فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی**، شماره ۱۸.

- شیروی، عبدالحسین، ۱۴۰۴، **حقوق تجارت بین‌الملل**، چاپ شانزدهم، تهران، انتشارات سمت.

- طالب احمدی، حبیب و میرفردی، اسحاق، ۱۴۰۳، مطالعه تطبیقی تلف نمونه میع در حقوق ایران و کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا، **فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی**، شماره ۲.

- علمی، حسین؛ شهبازی‌نیا، مرتضی؛ عیسائی تفرشی، محمد؛ صادقی مقدم، محمدحسین، ۱۳۹۱، صلاحیت

اشخاص برای رجوع به داوری تجاری بین‌المللی (با تأکید بر حقوق ایران)، **فصلنامه پژوهش‌های**

حقوق تطبیقی، شماره ۷۸.

- کاتوزیان، ناصر، ۱۴۰۴، **قواعد عمومی قراردادها**، جلد اول، چاپ یازدهم، تهران، شرکت سهامی انتشار.

- موسوی، سیدمحمدصادق؛ صالحی فر، علیرضا؛ سجادی جزئی، سیدمجتبی، ۱۴۰۰، نقش قوانین و مقررات ملی

استاندارد کالا و خدمات ایران در توسعه تجارت بین‌الملل، **فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی**

منطقه‌ای، شماره ۴۵.

- نوری، محمدعلی و نخجوانی، رضا، ۱۳۹۰، **حقوق تجارت الکترونیک**، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج

دانش.

لاتین

- Cisár, I., 2017, The Application of CISG in International Arbitration. In FIRST BRNO ARBITRATION CONFERENCE 2017 (33).
- CISG Advisory Council, 2015, CISG-AC Opinion No. 17: Limitation and exclusion clauses in CISG contracts, (Rapporteur: Prof. Lauro Gama Jr., Pontifical Catholic University of Rio de Janeiro, Brazil) , Adopted at the 21st meeting, Bogotá, Colombia, 16 October.
- Coetzee, J., 2015, The role and function of trade usage in modern international sales law. Uniform Law Review, 20 (2-3).
- Kircicek, T., Ozparlak, G., 2023, The essential role of international trade on economic growth. Journal of Economics Finance and Accounting, 10 (4).
- Schroeter, U., 2002, Freedom of Contract: Comparison between Provisions of the CISG (article 6) and Counterpart Provisions of the PECL. VJ, 6.
- Schwenger, I. H., Atamer, Y. M., Butler, P., 2014, Current Issues in the CISG and Arbitration. Eleven International Publishing.
- Schwenger, I., Hachem, P., 2009, The CISG successes and pitfalls. The American journal of comparative law, 57 (2).

-
- Vijayasri, G. V., 2013, The importance of international trade in the world. International Journal of Marketing, Financial Services & Management Research, 2 (9).
 - World Bank, 2024a, Exports of goods and services (% of GDP) China. World Development Indicators.
 - World Bank, 2024b, Exports of goods and services (% of GDP) India. World Development Indicators.
 - World Trade Organization, 2024, World Trade Report 2024: Trade and inclusiveness: How to make trade work for all.
 - World Trade Organization, 2024, World Trade Outlook and Statistics: April 2024. World Trade Organization.
 - Zeller, B., 2022, Predictability and the CISG: An empirical perspective. Journal of Business Law, (3).

- Legal Effects Arising from the Opening of Letters of Credit on the Buyer and the Beneficiary
Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi, Ahmadreza Amiri Larijani
- Examining the Potential for International Criminal Justice to Address Ecocide in the Context of Climate Change
Sobhan Tayebi, Majede Magholi
- Analyzing the Nature and Mechanism of Enforcing Decisions of the International Court of Justice with an Emphasis on the Court's Practice in Facing Legal Lacunae
Somayah Rahmanian, Pouria Ebrahimzadeh
- Prohibiting the Abuse of Emergency in the Iranian Legal System
Zeinab Ghaderi, Abdolmajid Yousefi, Sattar Fakhræi
- Comparative Study of the Automatic Termination Clause in Iranian Law and the Contract Avoidance Mechanism under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods
Hakime Mahmood Soltani, Mahdi Sheikh Mahmoodi
- A Comparative Study of the Elements and Principles of Criminalizing Collusion to Commit a Crime in Iranian and French Criminal Law
Saber Sayyari Zohan
- Challenges of Electronic Documents in Iranian Law
Mohammadreza Abdi, Sasan Vazin Puor
- The Dual Role of Artificial Intelligence in Countering Misinformation and Deep Forgery: Challenges and Solutions
Atefeh Lorkijori, Seyed Ahmad Peyrovnaziri
- Legal Nature of the Foundational Condition in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law; Explaining the Bases of Its Validity and Its Scope in Civil Partnership Contracts
Seyyed Alireza Hosseini, Mohammadreza Rostami, Tahere Jafari
- A Jurisprudential Legal Study of the Status and Role of Wills of Intestate Persons in Determining the Disposition of Property After Death
Sayede Nazanin Mousavi
- Foundations, Conditions and Effects of Criminal Sentences in the Iranian Criminal System
Kamran Rahimi Sekkeh Ravani
- A Jurisprudential Study of the Invalidity of Transactions in the Law Requiring Official Registration of Immovable Property Transactions
Mahdi Rajaean, Jafar Ghajeh Beigloo
- Child and Adolescent Victimization in the Metaverse: a Review of Understanding Causes to Prevention and Countermeasures
Javad Cheraghi
- Analysis of the Supporting Roles of the Convention on the International Sale of Goods in Facilitating and Protecting International Trade
Esmaeil Chogani
- The Function of the Prosecutors Criminal Policy in the Prevention and Prosecution of Crimes Violating Public Rights
Vahid Kioumars
- Comparative Study of the Rule of Independence of Arbitration Clause in Iranian, French, English Law and the UNCITRAL Model Law; Theories and Practices
Saeed Johar
- the Legal Status of Transactions of Periodically Insane Persons in the Law of Iran and England
Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani, Fatemeh Allahverdi, Amirreza Noghravi
- The Impact of Strict Laws on Drug-related Behaviors
Hamidreza Ghanaatian
- The Peaceful Role of Nuclear Energy in Iranian law and the International System with a New Approach
Mojahed Amiri, Fatemeh Asgharzadeh Shirazi
- The Impact of New Technologies, Smartification, and Digital Transformation on the Implementation of the Mandatory Registration Law
Negar Fouladi, Vajihe Mohseni
- Criminological Analysis of Smuggling of Goods in Hormozgan Province
Ahmad Padidar, Mohammad Kamali
- Smart Contract in the Iranian Legal System
Mahdi Salehi Zadeh
- Legal Challenges of E-Government and Government Civil Liability
Saeed Sardashti Birjandi
- the Principle of Impartiality of the Reason for Education in the Iranian Criminal Procedure
Mohammadhasan Malek Mohammadi
- Qualitative Analysis of the Foundations and Scope of Criminal Liability in the Commission of Crimes Caused by Restless Legs Syndrome: the Interaction of Neuromotor Disorder with the Elements of Fault and Attributability
Zahra Enalouy Esfahani
- The Relationship Between Rule and Exception in Iranian Civil Law with Emphasis on the Principle of the Binding Force of Contracts and Its Exceptions
Amirreza Alitabar
- Institutional Castling: Military Enlistment and Mass Incarceration in the United States
Bryan L. Sykes, Amy Kate Bailey, Yasser Shakeri